مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز
دوره بیست و دوم، شماره اول، بهار ۱۳۸۴ (پیاپی۴۲)
(ویژه‌نامه زبان و ادبیات فارسی)

بررسی قالب‌های شعر فروغ فرخزاد

دکتر سیدکاظم موسوی*
دانشگاه شهرکرد

چکیده

در این مقاله، تمام قالب‌های شعر فروغ فرخزاد، مورد بررسی قرار گرفته است. اگر سه عنصر وزن، قافیه، و شیوه نوشتاری را، عناصر مؤثر در به وجود آمدن قالب‌های شعر بدانیم، قالب‌های موجود در پنج مجموعه شعر او را، می‌توانیم به قالب‌های: نیمه سنتی، چهار پاره نو، (عامی ـ آهنگی)، نیمایی و نیمایی نو (سبک شخصی فروغ) تقسیم نماییم. عنوان‌های (عامی ـ آهنگی) و نیمایی نو (سبک شخصی فروغ)، عناوینی است که با توجه به شکل اشعار، به بعضی از اشعار فروغ فرخزاد نسبت داده شده است. بحث محوری این مقاله، درباره قالب نیمایی نو (سبک شخصی فروغ) است که ضمن نقد و رد نظر بعضی صاحب‌نظران، نظریه جدیدی ارائه گردیده و نوعی آشنایی زدایی، نسبت به قالب نیمایی، برای نزدیک شدن شعر به طبیعت نثر که در این اشعار وجود دارد، نشان داده شده است.

واژه‌های کلیدی: ۱. قالب ۲. نیمایی نو (سبک شخصی فروغ) ۳. عامی ـ آهنگی ۴. سماعی ـ حسی ۵. ضرب آهنگی.

۱. مقدمه

نوگرایی در قالب شعر، از دیر باز در شعر فارسی رواج داشته است. فاصله زمانی شکل‌گیری قالب‌های قصیده، غزل و مستزاد، به چندین قرن می‌رسد. این مطلب، نشان می‌دهد که شاعران در هر زمان، با توجه به شرایط خاص بیانی، درصدد قالب شکنی بوده‌اند. وجود غزل در مثنوی (عیوقی: ۱۳۴۳)؛ تغییر وزن در یک غزل (مولوی: ۱۳۷۷)؛ تبدیل ردیف به قافیه و بالعکس (مولوی: ۱۳۷۷) از نمونه‌های این نوخواهی است. برخی معتقدند که این نوگرائی‌ها، همیشه عنصر وزن را با خود داشته؛ اگر چه اعتبار آن، در بین همه، یکسان نبوده است. « نتیجه می‌گیریم که شعر از آغاز پیدایش و نزد همه اقوام با وزن ملازمه داشته و هرگز، در هیچ زبانی سخن ناموزون شعر خوانده نمی‌شود. با این تفاوت که اعتبار وزن، همیشه و نزد همه ملل، یکسان نیست » (خانلری، ۱۷: ۱۳۷۳).

درباره تغییر یا نبود قافیه در شعر نیز از سابقه طولانی سخن رفته است. « اما درباره قافیه چنین نیست؛ زیرا در شعر زبان‌های قدیم هند و اروپایی، مانند سنسکریت و یونانی و لاتینی، قافیه نبوده است و در زبان‌های ایرانی و اوستایی و پارتی و پهلوی نیز آنچه تاکنون از جنس شعر شمرده شده؛ از قافیه عاری است » (خانلری، ۱۷: ۱۳۷۳). « آزمایش برای شعر بی‌قافیه در ایران بی‌سابقه نیست؛ به موجب روایت خواجه نصیر، یک تن از قدما به نام خشویی، کتابی داشته موسوم به « یوبه نامه » و محتوای اشعار بی‌قافیه » (زرین‌کوب، ۹۹: ۱۳۷۲). وجود عیوب قافیه مانند: اکفاء (اختلاف در حروف روی)، سناد (اختلاف در ردیف)، اقواء (اختلاف در حرکات قافیه) دلیلی دیگر بر کم اهمیتی قافیه از نظر گذشتگان است. « وزن و قافیه ارزش دارد؛ اما به عنوان یک ابزار و قافیه در بسیاری از موارد، ابزار هم

---

* استادیار زبان و ادبیات فارسی

نیست و مانع جریان اندیشه و بیان است » (استعلامی، ۱۴: ۲۵۳۶).

امروزه نیما را پدر شعر نو و پدید آورنده قالب نیمایی می‌شناسند. دلیل این امر، اعتقاد و پایداری او در ساخت شعر نو بوده است؛ اما او نخستین کسی نبود که در قالب شعر عروضی تغییر و تحول صورت داد. آقای شمس لنگرودی در کتاب ارزشمند « تاریخ تحلیلی شعر نو »، نخستین سراینده شعر نو را، « ابوالقاسم لاهوتی » می‌داند؛ « اما قطعی است که نخستین شعر نو در ایران را، به تاریخ ۱۲۸۸ هـ .ش، ابوالقاسم لاهوتی سروده است » (لنگرودی، ۶۵: ۱۳۷۷). « شمس کسمایی » در شعر « پرورش طبیعت » که از دو بند تشکیل یافته است، همسانی تعداد پاره‌ها در هر بند و نیز تعداد ارکان در هر پاره را، در هم می‌ریزد. قالب شعر او از نظر کاربرد قافیه، نسبت به شعر لاهوتی، منسجم‌تر و به قالب نیمایی نزدیک‌تر است. « جعفر خامنه‌ای » ضمن ارائه قالب « چهار پاره نو »، قافیه را با توجه به موسیقی حروف، در حرف روی قرار می‌دهد و کلمات « مجروح » را با « اندوه» و « گویم » را با « هم» هم قافیه می‌کند. میرزاده عشقی، شعری با عنوان « برگ باد برده» ارائه می‌دهد که در نوع خود، قالبی کامل‌تر و منظم‌تر است. پس از نیما، پیروان او، قالب تدوینی او را گسترش و انواع دیگری به دست دادند. شعر سپید، حجم، موج نو و... نمونه‌های این گسترش‌اند. فروغ فرخزاد نیز به نوعی در گسترش قالب‌های نیمایی سهم داشته است.

۲. قالب در شعر فروغ فرخزاد

با توجه به سه عنصر وزن، قافیه و شیوه نوشتاری، اشعار فروغ به دسته‌های زیر تقسیم می‌شود:

۱. ۲. قالب نیمه سنتی

در این گروه، اشعاری قرار دارد که از نظر تساوی ارکان در ابیات و همسانی وزن، یکسان است؛ اما تغییراتی در شیوه نوشتاری و کاربرد قافیه صورت گرفته است. « اشعار عاشقانه» و « مرداب» در مجموعه « تولدی دیگر »، در قالب مثنوی سروده شده است و شیوه نوشتاری به صورت زیرنویس است. در این شیوه، یک شعر از نظر وزن و قافیه، همانند قالب‌های قدیم است، اما با تغییر شیوه نوشتاری؛ یعنی به جای این که مصراع‌ها در مقابل هم نوشته شود، زیر هم نوشته می‌شود و همین امر سبب می‌شود که خواننده از نظر دیداری، یک بیت را یک واحد شعری نپندارد، بلکه گوئی با نوعی جدید از شعر مواجه است. قسمتی از شعر « عاشقانه» برای نمونه:

ای شب از رؤیای تو رنگین شده
سینه‌ام از عطر تو سنگین شده
ای به روی چشم من گسترده خویش
شادیم بخشیده از اندوه بیش
همچو بارانی که شوید جسم خاک
هستیم زآلودگی‌ها کرده پاک
ای تپش‌های تن سوزان من
آتشی در سایه مژگان من
ای ز گندم زارها سرشارتر
ای ز زرین شاخه‌ها پربارتر

(فرخزاد، ۵۵: ۱۳۶۹)

شعر « غزل» در همین مجموعه، در قالب غزل سروده شده و تنها تغییر آن، در شیوه نوشتاری است:

چون سنگ‌ها صدای مرا گوش می‌کنی
سنگی و ناشنیده فراموش می‌کنی
رگبار نو بهاری و خواب دریچه را

از ضربه‌های وسوسه مغشوش می‌کنی
دست مرا که ساقه سبز نوازش است
با برگ‌های مرده هم‌آغوش می‌کنی
گمراه‌تر ز روح شرابی و دیده را
در شعله می‌نشانی و مدهوش می‌کنی
ای ماهی طلایی مرداب خون من
خوش باد مستیت که مرا نوش می‌کنی
تو دره بنفش غروبی که روز را
بر سینه می‌فشاری و خاموش می‌کنی
در سایه‌ها فروغ تو بنشست و رنگ باخت
او را به سایه از چه سیه پوش می‌کنی؟

(همان، ۳۳: ۱۳۶۹)

شعر « میان تاریکی» که در همین مجموعه شعر قرار دارد، از نظر وزن و تعداد ارکان در هر بیت، یکسان است. تغییراتی که داده شده؛ یکی در شیوه نوشتاری و دیگری در کاربرد قافیه است. قافیه، یا به کار نرفته یا آن جا که به کار رفته، جایگاه مشخصی ندارد. به دلیل وجود دو رکن در هر مصراع، از نظر آهنگ نیز نوعی ضرب آهنگی در آن وجود دارد. قسمت‌هایی از آن به عنوان نمونه ارائه می‌گردد:

میان تاریکی
ترا صدا کردم
سکوت بود و نسیم
که پرده را می‌برد
در آسمان ملول، ستاره‌ای می‌سوخت
ستاره‌ای می‌رفت
ستاره‌ای می‌مرد
ترا صدا کردم، ترا صدا کردم
تمام هستی من
چو یک پیاله شیر
میان دستم بود
نگاه آبی ماه،
به شیشه‌ها می‌خورد
ترانه‌ای غمناک
چو دود برمی‌خاست
ز شهر زنجره‌ها
چو دود می‌لغزید
به روی پنجره‌ها... (همان، ۴۰: ۱۳۶۹).

شعر « شعر سفر» در مجموعه « تولدی دیگر »، شعری است که از نظر قالب، ترکیبی از چند قالب عروضی است. این شعر، از سه بند تشکیل شده است. بندها به ترتیب دارای چهار، یازده و شش پاره و از نظر ارکان (فاعلاتن مفاعلن فعلن) مساوی هستند؛ اما بند اول، به صورت دو بیتی است. در بند دوم، ابیات یک، دو و سه، به صورت قصیده،

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پاره هفتم مستقل و دو بیت آخر، به صورت دو بیتی است. در بند سوم، بیت اول و سوم، بدون قافیه؛ بیت دوم، به صورت مثنوی ارائه شده و مصراع دوم و ششم این بند، هم قافیه هستند. شیوه نوشتاری نیز به صورت زیرنویس است.

همه شب با دلم کسی می‌گفت
« سخت آشفته‌ای ز دیدارش
صبحدم با ستارگان سپید
می‌رود، می‌رود، نگهدارش »

من به بوی تو رفته از دنیا
بی‌خبر از فریب فرداها
روی مژگان نازکم می‌ریخت
چشم‌های تو چون غبار طلا
تنم از حس دست‌های تو داغ
گیسویم در تنفس تو رها
می‌شکفتم ز عشق و می‌گفتم
« هر که دل داده شد به دلدارش
ننشیند به قصد آزارش
برود، چشم من به دنبالش
برود، عشق من نگهدارش»

آه، اکنون تو رفته‌ای و غروب
سایه می‌گسترد به سینه راه
نرم نرمک خدای تیره غم
می‌نهد پنا به معبد نگهم
می‌نویسد به روی هر دیوار
آیه‌هایی همه سیاه سیاه (همان، ۲۸: ۱۳۶۹)

در مجموعه « اسیر» شعر « صدایی در شب» به صورت (چهار پاره ـ مسمط) است. از پنج بند تشکیل شده و هر بند از چهار پاره، به صورت « چهار پاره نو» و یک پاره به صورت مسمط ساخته شده است و قافیه در این پاره مسمط، رعایت نشده است.

۲. ۲. قالب چهار پاره نو

هفتاد و پنج شعر از اشعار فروغ فرخزاد، در این قالب سروده شده است. شصت و نه شعر، بدون هیچ تغییری، به طور دقیق در همین قالب و شش شعر دیگر، با تغییراتی در تعداد پاره‌ها و ارکان ارائه شده است. همانگونه که قبلاً ذکر شد، ارتباط طولی در این قالب، وجود دارد؛ اما هر بند از چهار پاره تشکیل شده که از نظر تعداد ارکان و وزن در هر پاره یکسان و قافیه در پاره‌های دوم و چهارم رعایت شده است. برای نمونه، قسمتی از یک چهار پاره بدون تغییر ارائه می‌گردد:

امشب بر آستان جلال تو
آشفته‌ام ز وسوسه الهام
جانم از این تلاش به تنگ آمد
ای شعر... ای الهه خون‌آشام

دیریست کان سرود خدایی را
در گوش من به مهر نمی‌خوانی
دانم که باز تشنه خون هستی
اما... بس است این همه قربانی

خوش غافلی که از سر خودخواهی
با بنده‌ات به قهر چه‌ها کردی
چون مهر خویش در دلش افکندی
او را ز هر چه داشت جدا کردی
دردا که تا به روی تو خندیدم
در رنج من نشستی و کوشیدی
اشکم چو رنگ خون شقایق شد
آن را به جام کردی و نوشیدی (فرخزاد، ۴۳: ۱۳۵۰)

در مجموعه « اسیر» شعری با عنوان « ناشناس» وجود دارد که از نه بند تشکیل شده، هشت بند اول، در قالب چهار پاره و تنها بند نهم، دارای پنج پاره است و قافیه در پاره‌های دوم و چهارم و پنجم، رعایت شده است. در همین مجموعه، شعر، « حلقه» دارای شش بند است که بند اول و دوم، از چهار پاره تشکیل یافته و قافیه نیز در پاره‌های دوم و چهارم آمده است. بند سوم، دارای سه پاره است و پاره‌های اول و سوم هم قافیه هستند. بند چهارم، از یک پاره مستقل و بندهای پنجم و ششم از چهار پاره تشکیل شده که در بند پنجم قافیه در پاره‌های اول و چهارم و در بند ششم، قافیه در پاره‌های سوم و چهارم آمده است. شعر « موج» در مجموعه « دیوار »، دارای چهار بند است. هر بند، از چهار پاره تشکیل شده، اما ارکان در پاره‌ها با یکدیگر، یکسان نیست:

تو در چشم من همچو موجی
خروشنده و سرکش و ناشکیبا
که هر لحظه‌ات می‌کشاند به سویی
نسیم هزار آرزوی فریبا

تو موجی
تو موجی و دریای حسرت مکانت
پریشان رنگین افق‌های فردا
نگاه مه آلوده دیدگانت
تو دائم به خود در ستیزی
تو هرگز نداری سکونی
تو دائم ز خود می‌گریزی
تو آن ابر آشفته نیلگونی
چه می‌شد خدایا...

چه می‌شد اگر ساحلی دور بودم؟
شبی با دو بازوی بگشوده خود
ترا می‌ربودم... ترا می‌ربودم... (همان، ۸۱: ۱۳۵۰)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شعر« بندگی» در مجموعه « عصیان» در قالب چهار پاره سروده شده و از نود و نُه بنـد، تشـکیل یافتـه اسـت. در همه بندها، قافیه در مصراع‌های دوم و چهارم، رعایت شده و تنها تغییر، در بند اول است و قافیه در پاره‌های اول، دوم و چهارم آمده است. تغییر دیگری که در این شعر وجود دارد. در بند چهل و دوم است که افزون بر تعـداد ارکـان یکـی از پاره‌ها، واژه« شیطان» آمده است:

ای بسـا شب‌ها که با من گفت و گـو می‌کرد
شیطان: گوش من گویی هنـوز از نالـه لبـریـزست
تف بر این هستی، بر این هستـی دردآلـــود
تـف بریـن هستی که اینسان نفرت‌انگیزست

(فرخزاد، ۱۰۳: ۲۵۳۷)

شعر« ظلمت» و« سرود زیبایی» در همین مجموعه، در قالب چهار پاره است و در تعداد ارکان در پاره‌ها، تغییراتی صورت گرفته و پاره‌ها کوتاه و بلند شده است.

۳. ۲. (عامی ـ آهنگی)

این عنوان به اشعاری داده شده که از یک سو، مصراع‌های آن، دارای وزن و گاهی نیز تمام شعر از وزن یکسـان بـا ارکان مساوی برخوردار است. و کلیت شعر، دارای آهنگی یکنواخت و متناسب با موضوع اسـت. از سـوی دیگـر، کـاربرد قافیه، کلمات و ترمیم وزن، با استفاده از حذف و اضافه قسمتی از کلمات، به شیوه محاوره و عوام صورت گرفته است. با توجه به این دو مطلب، عنوان اینگونه اشعار را « عامی ـ آهنگی » گذاشته‌ایم.

در مجموعه « تولدی دیگر »، شعری به نام،« به علی گفت مادرش روزی... » وجود دارد که دارای ویژگی‌های یـاد شده است.

برای نمونه قسمتی از آن ارائه می‌گردد:

علی کوچیکه،
علی بونه‌گیـر
نصـف شـب از خواب پـرید
چشماشو هی مالید بـا دس
پـاشـد نشـس
چی دیده بود؟، چی دیـــده بود؟
خـــواب یه مـاهـــی دیده بـــود
یه ماهی، انگارکه یه کپّه دوزاری
انگـــار کـــه یـه طـــاق حـــریر
با حاشیـــه منجـــوق کـــــاری
انگار که رو برگ گل لال‌عباســی
خـــامـه دوزیـــش کـــرده بـودن
قایم موشک بازی می‌کردن تو چشاش
دو تا نگیـــن گـــرد صـــاف الماسی
همچی یواش
همچی یواش
خودشو رو آب دراز می‌کرد
کـــه بادبـــزن فرنگیـــاش
صـــورت آبـــو ناز می‌کرد... (فرخزاد، ۱۱۸: ۱۳۶۹)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۴. ۲. نیمایی

او تعداد سی و دو شعر را، در این قالب سروده است که از نظر ویژگی‌های وزنی و قافیه، همانند قالب نیمایی است. برای نمونه یکی از این اشعار ارائه می‌گردد:

من از نهایت شب حرف می‌زنم
من از نهایت تاریکی
و از نهایت شب حرف می‌زنم
اگر به خانه من آمدی
برای من ای مهربان چراغ بیاور
و یک دریچه که از آن
به ازدحام کوچه خوشبخت بنگرم.

(همان، ۹۶: ۱۳۶۹)

۵. ۲. نیمایی نو (سبک شخصی فروغ)

این عنوان، به هفت شعر کتاب« ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» داده شده است. به این دلیل که هم ویژگی‌های قالب نیمایی را در خود دارند و هم از آن، فراتر رفته و یک نوع آشنایی زدایی، نسبت به وزن عروضی و نیمایی در آن صورت گرفته است. قبل از تشریح این قالب شعری، دیدگاه‌های صاحب‌نظران و فروغ فرخزاد در این باره ارائه می‌گردد:

« ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» ۲۵۵ سطر است و وزن آن، مبتنی بر بحر مجتث (مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن) و مضارع (مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن)» (شمیسا، ۲۵: ۱۳۷۲) می‌باشد.

« به نظر من، حالا دیگر دوره قربانی کردن« مفاهیم» به دلیل احترام گذاشتن به وزن، گذشته است. وزن باید باشد؛ من به این قضیه معتقدم. در شعر فارسی وزن‌هایی هست که شدت و ضربه‌های کمتری دارند و به آهنگ گفت و گو نیز نزدیک‌ترند؛ همان‌ها را می‌شود گرفت و گسترش داد. وزن باید از نو ساخته شود و چیزی که وزن را می‌سازد و باید اداره کننده وزن باشد ـ برعکس گذشته ـ زبان است» (طاهباز، ۲۲: ۱۳۷۶).

« اشکال در این است که این دو مسأله یعنی وزن و زبان از هم جدا نیستند؛ با هم می‌آیند و کلیدشان در خودشان است» (همان، ۲۳: ۱۳۷۶).

من از کتاب « تولدی دیگر » ماه‌هاست که جدا شده‌ام. با وجود این، فکر می‌کنم که از آخرین قسمت شعر « تولدی دیگر » می‌شود، شروع کرد ـ یک جور شروع فکری ـ مسأله زبان خودش حل می‌شود و زبان، وزن می‌آورد. اصل قضیه فکر است و محتوا » (همان، ۳۰: ۱۳۷۶).

وزن را در شعر فرخزاد،« وزن گفتاری» یا« حسی» بنامیم. وزنی که کمتر حالت و لازم‌ترین حالت وزنی را دارد. به بیان، نزدیک‌تر است؛ نه به نثر معمول؛ فقط حالت گفتار را کلمات شعری تغییر می‌دهد (آزاد، ۱۹۷: ۱۳۷۶).

« نیما بحور عروضی را شکست و فروغ آن را اتفاقاً در جهت ایده‌آل نیما ـ که به محاوره نزدیک کردن زبان شعری بود ـ حرکت داد» (آزاد، ۳۱۱: ۱۳۷۶).

همانگونه که دیده می‌شود، تنها نظر دکتر شمیسا که وزن عروضی در دو بحر مجتث و مضارع را برای این اشعار ارائه می‌دهد، در مسیر نظرات دیگران قرار ندارد؛ به نظر می‌رسد که دکتر شمیسا، تنها با اتکاء به وزن« سماعی ـ حسی» این نظریه را ارائه داده است. و اگر مصراع‌ها را در تقطیع عروضی قرار دهیم، خواهیم دید که این نظریه نمی‌تواند وزن شعر را تأمین نماید. ابتدا مصراعی از شعر« پنجره» را مورد بررسی قرار می‌دهیم؛ سپس به سه مصراع از شعر« ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» که مورد نظر دکتر شمیساست، می‌پردازیم. در شعر« پنجره» مصراعی وجود دارد که از نظر سماعی وزن آن (مفعول فاعلات مفاعیل فاعلات) می‌شود؛ اما پس از تقطیع عروضی، متوجه می‌شویم

که وزن آنگونه دیگری است:« حس می‌کنم که لحظه سهم من از برگ‌های تاریخ است» (فرخزاد، ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد، ۵۹: ۱۳۷۷). که تقطیع این مصراع بدینگونه است:

- - U / - U - / U - U - / U U - / - U -/ U - - - و وزن آن مفعول فاعلات مفتعلن فاعلن مفاعیلن، و می‌بینیم که بین وزن (سماعی - حسی) و وزن عروضی، تفاوتی وجود دارد.

با این نمونه، سه مصراع از شعر« ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

و درکنار جویبارهای تو، ارواح بیدها U -U -U/- U- U/- U- U -/- U - -U/- U -

ارواح مهربان تبرها را می‌بویند- -U /-U - U/ U- - - -/- - - U

من از جهان بی‌تفاوتی فکرها و U – U -/ U – U -/ U – U -/ U – U -/ U - U /- - -/- - -

حرف‌ها و صداها می‌آیم (همان،۲۳:۱۳۷۷)

که به ترتیب دارای این ارکان عروضی هستند:

مفاعلن/ مفاعلن/ مفاعل/ مستفعلن/ فعل

مفعول/ فاعلات/ مفاعلین/ مفعولات

مفاعلن/ مفاعلن/ مفاعلن/ مفاعلن/مفاعل/مفعولن/فع لن

هیچ کدام از این وزن‌ها، با وزن‌های مورد نظر دکتر شمیسا، همسان نیستند.

آنچه که از نظر شکل و ساختار این نوع وزن قابل توجه است این است که شاعر دو عنصر« آهنگ» شعر و « ساختار» نثر را در هم آمیخته است؛ به صورتی که ویژگی‌های یک« جمله» نثر، از نظر جایگاه ارکان جمله، به درستی رعایت شده است. برای نمونه:« و مغز من هنوز، لبریز از صدای وحشت پروانه‌ایست که او را در دفتری به سنجاقی مصلوب کرده بودند. وقتی که اعتماد من از ریسمان سست عدالت آویزان بود و در تمام شهر قلب چراغ‌های مرا تکه تکه می‌کردند...» (فرخزاد، ۵۹: ۱۳۷۷). اما چون یک جمله که به شکل نثر نوشته شده باشد. گنجایش پذیرش کامل آهنگ و وزن عروضی را ندارد، بدین جهت شاعر، در قسمت اول هر مصرع شعر، وزن را با ارکان عروضی به کار برده و از ادامه این وزن و ارکان در قسمت دوم مصرع، خودداری نموده است. در نتیجه، هنجارگریزی نحوی در آن کمتر صورت گرفته و از این نظر، به خواننده کمک می‌کند که مفهوم شعر را بهتر و سریع‌تر دریابد و نیز آهنگ و وزن که هم لازمه یک شعر خوب است و هم لذت موسیقایی لازم را به خواننده می‌دهد، در آن وارد شده است. نکته دیگر این که این در هم آمیزی به گونه‌ای است که تفکیک این دو، از نظر« سماعی - حسی» قابل تشخیص نیست و این مسأله بر روانی شعر و پذیرش آن به وسیله خواننده تأثیرگذار است. پاره‌هایی که از وزن کامل عروضی برخوردار هستند، به فاصله بین اینگونه مصراع‌های تلفیقی (وزن - بی‌وزن) قرار گرفته‌اند و با تفاوتی که با شکل یکنواخت شعر دارند، یک نوع برجستگی ایجاد می‌نمایند و برای توجه خواننده به مفهوم شعر، مؤثر هستند؛ بدینگونه، با دو نوع شکستگی وزن رو به رو هستیم؛ یکی در مصراع‌ها و دیگری در کلیت شعر. ایجاد این« مکث »ها ذهن خواننده را از عادت‌پذیری و یکنواختی شکل شعر دور می‌سازد و با برجسته شدن کلمات و مصراع‌های شعر، درک معنایی شعر بهتر خواهد شد؛ ضمن آن که ساختار شعر نیز از یک منطق کلی برخوردار می‌باشد.

شعر« پنجره » یکی از اشعار این مجموعه است که از نظر وزن و قالب، مورد بررسی قرار می‌گیرد. فروغ در این قالب، وزن نیمایی را در قسمت اول هر مصراع رعایت کرده؛ اما در قسمت دوم که اغلب به وسیله افعال، ضمایر و حروف ربط ادامه می‌یابد، آن را از حالت وزن خارج کرده است. این کارکرد، شعر را از حالت وزنی محض خارج نموده و آن را به زبان نثر و بیان محاوره‌ای نزدیک کرده است. ضمن آن که بعضی از مصراع‌ها دارای وزن کامل هستند. و هارمونی کلی شعر با این مصراع‌ها حفظ می‌گردد. مصراع‌هایی که با« واو» عطف آغاز می‌شود، در جایگیری این هارمونی، سکته ایجاد می‌کنند و قدمی دیگر به سوی زبان تخاطب برمی‌دارند؛ اگر چه بعضی از پاره‌های شعر، همانند پاره‌ای از شعر

پنجره که برای نمونه آورده شد، در همان وزن می‌گنجد؛ ولی برای این که آهنگ و وزن اصلی (بحر مضارع) رعایت شود، از آوردن« مفتعلن» که مربوط به بحر رجز می‌باشد، امتناع می‌شود تا آهنگ کلی شعر حفظ شود. با ارائه این شعر، ویژگی‌های وزنی آن مشخص‌تر می‌گردد:

یک پنجره برای — دیدن — - - U / - U - - U
مفعولُ / فاعلاتُ

یک پنجره برای — شنیدن — - - U / - U - U - U
مفعولُ / فاعلاتُ

یک پنجره که مثل — حلقه چاهی — - - U / - U - U - U
مفعولُ / فاعلاتُ

در انتهای خود — به قلب زمین می‌رسد — - - U / - U - - U -
مفعولُ / فاعلن

و باز می‌شود به سوی وسعت این مهربانی مکرر آبی رنگ

یک پنجره که دست — های کوچه تنهایی — - - U / - U - U - U
مفعولُ / فاعلاتُ

از بخشش شبانه عطر ستاره‌های کریم — - - U / - U – U / U - - U / U -U - U
مفعولُ / فاعلاتُ /مفاعیلُ/فاعلات

سرشار می‌کند — - - U / - U –
مفعولُ / فاعلن

و می‌شود از آن جا — U – U - U / - - U - -
مفاعلن / فعولن

خورشید را به غربت گل‌ها — ی شمعدانی مهمان کرد — - - U / -U – U / U - - U - -
مفعولُ/ فاعلاتُ/ فعولن

یک پنجره برای من — کافیست — - - U /- U – U / - U - -
مفعولُ/ فاعلاتُ/ فع

من از دیار عروسک‌ها — می‌آیم — U – U -/ U U - -/ - -
مفاعلن/ فعلاتن/ فع

از زیر سایه‌های درختان کاغذی — - - U/- U – U / U - - U / - U- U -U-
مفعولُ/فاعلاتُ/مفاعیلُ/فاعلن

در باغ یک کتاب مصور — - - U/ - U – U/ U - - U - -
مفعولُ/ فاعلاتُ/فعولن

از فصل خشک تجربه‌ها — ی عقیم دوستی و عشق — - - U/ - U- U/ U – U
مفعولُ/ فاعلاتُ/فعل

در کوچه‌های خاکی — معصومیت — - - U/ - U - - U - -
مفعولُ/ فاعلاتن

از سال‌های رشد — حروف پریده رنگ الفبا — - - U/ - U – U
مفعولُ/ فاعلاتُ

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در پشت میزهای مدرسه مسلول - - U/ - U – U
مفعولُ/ فاعلاتُ

از لحظه‌ای که بچه ها توانستند - - U/ - U - -
مفعولُ/ فاعلاتن

بر روی تخته حرف « سنگ » را بنویسند - - U/ - U – U
مفعولُ/ فاعلاتُ

و سارهای سراسیمه از درخت کهنسال پر زدند U – U-/U U/- U- -/U – U-/UU —-
مفاعلن/فعلاتن/مفاعلن/ فعلاتن

من از میان ریشه‌ها ی گیاهان گوشتخوار می‌آیم U – U -/ U – U –
مفاعلن/ مفاعلن

و مغز من هنوز U – U - / U – U
مفاعلن/ فعول

لبریز از صدای وحشت پروانه‌ایست که او را - - U/ - U – U
مفعولُ/ فاعلاتُ

در دفتری به سنجا قی - - U / - U - -
مفعولُ/ فاعلاتن

مصلوب کرده بودند - - U / - U - -
مفعولُ /فاعلاتن

وقتی که اعتماد من از ریسمان سست عدالت - - U / - U - -
آویزان بودم مفعولُ/ فاعلاتن

و در تمام شهر U – U/ - U – U
مفاعلن / فعول

قلب چراغ‌های مرا تکه تکه می‌کردند --U/-U-/U--U /U-U-/U--/- U--
مفعولُ/فاعلاتُ/مفاعیلُ/فاعلن/فع لات

وقتی که چشم‌ها ی کودکانه‌ی عشق مرا - - U/ - U-
مفعولُ/ فاعلن

با دستمال تیره ی قانون می‌بستند - - U/ - U - -
مفعولُ/ فاعلاتن

و از شقیقه‌ها ی مضطرب آرزوی من U – U -/ U –
مفاعلن/ فعل

فواره‌های خون به بیرون می‌پاشید - - U/ - U –
مفعولُ / فاعلن

وقتی که زندگی من دیگر - - U /- U –
مفعولُ/ فاعلن

چیزی نبود هیچ چیز به جز تیک‌تاک ساعت دیواری - - U/-U - U
مفعولُ / فاعلات

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دریافتیم	باید، باید، باید	- - U / - مفعولُ / فع
دیوانه وار دوست بدارم		- - U/ - U – U/U - - مفعولُ/ فاعلاتُ/فعولن
یک پنجره برای	من کافیست	- - U / - U – U مفعولُ / فاعلاتُ
یک پنجره به لحظه	ی آگاهی و نگاه و سکوت	- - U/ - U - - مفعولُ/ فاعلاتن
اکنون نهال گردو		- - U/ - U - - مفعولُ فاعلاتن
آن قدر قد کشیده	که دیوار را برای برگ‌های جوانش	- - U/ - U – U مفعولُ / فاعلاتُ
معنی کند		- - U/ - مفعولُ/ فع
از آینه	بپرس	- - U/- مفعولُ/ فع
نام نجات	دهنده‌ات را	- - U/ - U مفعولُ/ فاع
آیا زمین که زیر	پای تو می‌لرزد	- - U/ - U – U مفعولُ/ فاعلاتُ
تنهاتر از تو نیست		- - U/ - U – U مفعولُ / فاعلاتُ
پیغمبران	رسالت ویرانی را	- - U/- U مفعولُ / فاع
با خود به قرن	ما آوردند	- - U/- U مفعولُ/ فاع
این انفجارهای پیاپی		- - U/ - U – U/U - - مفعدلُ/ فاعلاتُ/فعولن
و ابرهای مسموم		U – U /- U - - U مفاعلن / مفاعیل
آیا طنین آیه	های مقدس هستند	- - U/ - U - - مفعولُ/ فاعلاتن
ای دوست، ای برادر	ای همخون	- - U/ - U - - مفعولُ / فاعلاتن
وقتی به ماه	رسیدی	- - U/ - U مفعولُ / فاع

تاریخ قتل عام	گل‌ها را بنویس	- - U/ - U – U مفعولُ/ فاعلات
همیشه خواب‌ها		U – U -/ U – مفاعلن / فعل
از ارتفاع ساده	لوحی خود پرت می‌شوند و	- - U/- U – U
	می‌میرند	مفعولُ / فاعلاتُ
من شبدر چهار پری را	می‌بویم	- - U/ - U – U / U - - مفعولُ/ فاعلاتُ / فعولن
که روی گور مفاهیم کهنه رویید‌ست		U – U-/U U --/ U-U -/--U مفاعلن/فعلاتن/مفاعلن/فع لات
آیا زنی که در کفن	انتظار و عصمت خود خاک شد	- - U/- U-U / U - مفعولُ/فعلاتُ/فعل
	جوانی من بود؟	
آیا دوباره من	از پله‌های کنجکاوی خود بالا	- - U/ - U – مفعولُ / فاعلن
	خواهم رفت	
تا به خدای خوب	که در پشت بام خانه قدم	- - U / - U – U مفعولُ / فاعلات
	می‌زند، سلام بگویم؟	
حس می‌کنم که وقت گذشته است		- - U / - U – U/ U - - U مفعولُ / فاعلاتُ / مفاعیل
حس می‌کنم که لحظه	سهم من از برگ‌های تاریخ است	- - U / - U - - مفعولُ / فاعلاتن
حس می‌کنم که میز	فاصله کاذبی است در میان گیسوان	- - U / - U - مفعولُ / فاعلات
من و دستهای این غریبه‌ی غمگین		
حرفی به من بزن		- - U / - U – ژ مفعولُ / فاعلن
آیا کسی که مهر	بانی یک جسم زنده را به تو	- - U / - U – U مفعولُ / فاعلات
	می‌بخشید	
جز درک حس زنده	بودن از تو چه می‌خواهد؟	- - U / U - - . مفعولُ / فاعلاتن
حرفی به من بزن		- - U / - U – مفعولُ / فاعلن
من در پناه پنجره‌ام		- - U / U – U / U - - مفعولُ / فاعلاتُ / فعل
با آفتاب رابطه دارم		- - U/ U – U – U / U - - مفعولُ / فاعلاتُ / فعولن

(فرخزاد، ۵۹: ۱۳۷۷)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نمونه این وزن در شعر « دلم برای باغچه می‌سوزد »

کسی به فکر گل‌ها	نیست	U – U - / - -
		مفاعلن / فعولن
کسی به فکر ماهی	ها نیست	U – U - / - -
		مفاعلن/ فعولن
کسی نمی‌خواهد		U – U - / - -
		مفاعلن/ فع لن
باور کند که باغـ	چه دارد می‌میرد	- - U / - U – U
		مفعولُ / فاعلات
که قلب باغچه در زیـ	ر آفتاب ورم کرده است	U – U - / U U - -
		مفاعلن/ فعلاتن
که ذهن باغچه دارد	آرام آرام	U – U / U U - -
		مفاعلن/ فعلاتن
از خاطرات سبز	تهی می‌شود	- - U / - U – U
		مفعولُ / فاعلات
و حس باغـ ـ	چه انگار	U – U – U /
		مفاعلان /
چیزی مجرد است	که در انزوای باغچه پوسیده ست	- - U / - U – U
		مفعولُ / فاعلات

نمونه این وزن در شعر« بعد از تو »

بعد از تو ما به هم	خیانت کردیم	- - U/ - U –
		مفعولُ / فاعلن
بعد از تو ما تما ـ	م یادگاری‌ها را	- - U / - U –
		مغعولُ / فاعلن
با تکه‌های سرب	و با قطره‌های منفجر شده خون	- - U / - U – U
		مفعولُ / فاعلات
از گیج گاه‌های	گچ گرفته دیوارهای کوچه زدودم	- - U / - U – U
		مفعولُ / فاعلات

نمونه این وزن در شعر « کسی که مثل هیچ‌کس نیست »

من خواب دیده‌ام	که کسی می‌آید	- - U / - U –
		مفعولُ / فاعلن
من خواب یک ستا ـ	ره قرمز دیده‌ام	- - U / - U –
		مفعولُ / فاعلن
و پلک چشمم	هی می‌پرد	U – U - / -
		مفاعلن / فع
و کفش‌هایم	هی جفت می‌شود	U – U -/ -

	مفاعلن / فع
و کور شوم	U U – U / –
	مفاعلُ / فع
اگر دروغ بگویم	U U / – U – U – –
	مفاعلن / فعلاتن

(فرخزاد، ۸۰: ۱۳۷۷)

۳. نتیجه‌گیری

از بررسی قالب‌های شعر فروغ فرخزاد، نتیجه گرفته می‌شود که او در قالب‌های عروضی و نیمایی شعر سروده و حرکت او همگام با تفکرش، از شعر عروضی به نوآوری فردی بوده است. در ضمن، او با تبحر و تعمق در قالب نیمایی و ارائه اشعار خود در این قالب، درصدد نوجویی و گسترش آن بوده است. در این کار، بدون الگو گرفتن از قالب‌های شعری غرب و نیز قالب‌هایی که شعرای متجدد فارسی ارائه داده‌اند، در پی نوجویی بوده و تلاش نموده است که ضمن رعایت وزن به عنوان عنصر جدا نشدنی شعر، آن را به طبیعت نثر نزدیک نماید؛ این کارکرد را در هر پاره شعر، به طور جداگانه به کار برده؛ ضمن آن که آهنگ کلی شعر را از نظر دور نداشته است. در این قالب (نیمایی نو یا سبک شخصی فروغ) وزن و کلمه در یک تناسبْ (آهنگی- معنایی) قرار دارند. برای نمونه، در پاره‌ای از شعر پنجره که در متن آمد، کلمه« لحظه» را در مقابل رکن« مفتعلن» که اختصاص به بحر سریع دارد، قرار می‌دهد تا عبور تند لحظه را با رکن سریع مفتعلن هم آهنگ سازد. این نوآوری متعلق به اوست.

منابع

آزاد، م. (۱۳۷۶). **پریشادخت شعر، زندگی و شعر فروغ فرخزاد**، تهران: ثالث.

استعلامی، محمد. (۲۵۳۶). **بررسی ادبیات امروز ایران** ، تهران: امیرکبیر، چاپ پنجم.

خانلری، پرویز. (۱۳۷۷). **وزن شعر فارسی** ، تهران: توس، چاپ دوم.

زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۲). **بی‌دروغ، شعر بی‌نقاب**، تهران: انتشارات علمی، چاپ هفتم.

شمیسا، سیروس. (۱۳۷۲). **نگاهی به فروغ فرخزاد**، تهران: مروارید.

طاهباز، سیروس. (۱۳۷۶). **زندگی و هنر فروغ فرخزاد**، تهران: زریاب، چاپ دوم.

عیوقی. (۱۳۴۳). **ورقه و گلشاه**، به اهتمام ذبیح‌اله صفا، تهران: انتشارات دانشگاه.

فرخزاد، فروغ. (۱۳۶۹). **تولدی دیگر**، تهران: مروارید، چاپ شانزدهم.

ـــــــــ (۱۳۵۰). **دیوار**، تهران: امیرکبیر، چاپ چهارم.

ـــــــــ (۲۵۳۷). **عصیان**، تهران: امیرکبیر، چاپ دهم.

ـــــــــ (۱۳۷۷). **ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد**، تهران: مروارید، چاپ دوازدهم.

لنگرودی، شمس. (۱۳۷۷). **تاریخ تحلیلی شعر نو**، تهران: نشر مرکز.

مولوی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۷۷). **دیوان شمس**، به اهتمام استاد بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: نشر نغمه.